



نهضت علمی جبل عامل: فرازی از تاریخ شیعیان لبنان

پدیدآورده (ها) : صدرهاشمی، سید محمد

علوم اجتماعی :: چشم انداز ارتباطات فرهنگی :: اسفند 1384 - شماره 21
از 27 تا 30

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/378617>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

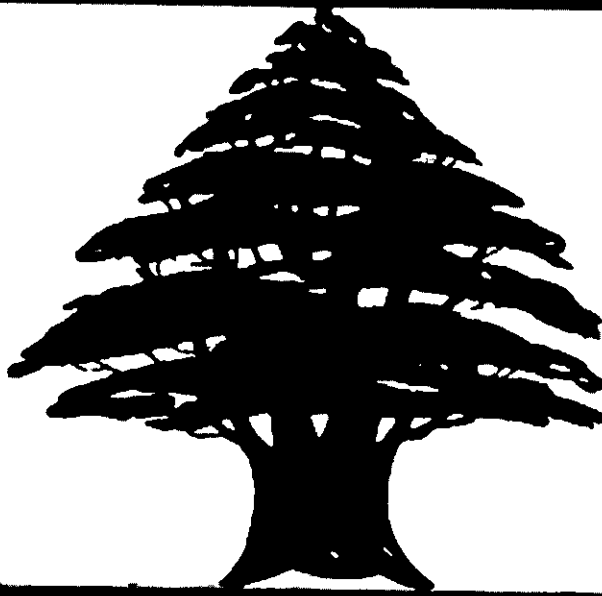
تاریخ دانلود : 31/02/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



نهیضت علمی جبل عامل؛ فرازی از تاریخ شیعیان لبنان

سید محمد صدر هاشمی*



بود نیز پیش از سقوط آن به دست صلیبیان، موفق به فرار شدند و به سوی جبل عامل کوچیدند.^۱ با شکست نهایی صلیبیان و حاکمیت یافتن مملوکیان در سال ۱۲۵۰/۶۴۸، شیعیان کسروان که منبع تهدید سیاسی و دینی تلقی می‌شدند، تحت فشار و آزار بسیار قرار گرفتند و بالاخره با عزم دولت برای سرکوبی آنان به ویژه با فتوایی که ابن تیمیه علیه آنان صادر کرد^۲، مورد حملات گسترده قرار گرفتند. مردم شیعه کسروان سال‌ها در برابر این حملات که از سال ۱۲۹۲/۶۹۱ آغاز شد مقاومت کردند و سرانجام در سال ۱۳۰۵/۷۰۵ در حمله‌های گسترده که با شرکت شخص ابن تیمیه صورت گرفت، این منطقه به اشغال درآمد و ساکنان آن به دست مهاجمان قلع و قمع شدند. از آنان که جان سالم به در بردند، گروهی به مناطق امن، به ویژه جبل عامل کوچیدند و برخی نیز برای در امان ماندن، ناگزیر به تغییر مذهب شدند و از آن پس مهاجرت مسیحیان مارونی به کسروان آغاز شد^۳. بدین‌سان با کوچ بسیاری از شیعیان بازمانده از حملات صلیبیان، ایوبیان و مملوکیان، ساختار انسانی جدیدی در جبل عامل شکل گرفت.

زمینه‌های نهیضت

از قرن ۱۱/۵، میان شیعیان جبل عامل و هم‌مذهبان آنان در عراق پیوندهایی برقرار بوده است، از جمله، درگذشت فقیه بزرگ عراق، شیخ مفید، انعکاس وسیعی

ایران، گرایش به تشیع در لبنان نیز رو به افزایش نهاد؛ آن گونه که در دهه‌های آغازین قرن ۱۰/۴، بیش‌تر مردم آن شیعه بوده‌اند.^۴ در حالی که برخی از این شیعیان گرایش‌های نصیری و اسماعیلی داشتند، مردم جبل عامل و بخشی از شیعیان منطقه کوهستانی کسروان^۵ اثنی عشری بوده‌اند.^۶ طرابلس در شمال لبنان نیز از اواسط قرن ۱۰/۴ تا اواخر قرن ۱۲/۶، شهری شیعه‌نشین و از رونق و آبادانی بسیار برخوردار بوده است^۷، ناصر خسرو نیز که در سال ۱۰۴۶/۴۳۸ از لبنان دیدن کرده است، در سفرنامه خود از شیعه طرابلس سخن گفته است.^۸ با آغاز حملات صلیبیان، بسیاری از مناطق شیعه‌نشین شام، به ویژه در لبنان، مقاومت‌های سرسختانه در برابر مهاجمان از خود نشان دادند. طرابلس که خاندان شیعه بنی‌عمار بر آن حکم می‌راندند، پس از ۱۰ سال مقاومت^۹، سرانجام سقوط کرد و آثار فرهنگی و تمدن در این شهر توسط مسیحیان صلیبی، به کلی از میان رفت. شهر صور در جنوب لبنان که در این زمان تحت امارت خاندان شیعه بنی‌عقیل بود نیز پس از ۲۵ سال مقاومت^{۱۰}، اشغال شد. منطقه کوهستانی کسروان در این حملات آسیب کم‌تری دید و بخش‌هایی از جبل عامل هیچ‌گاه به اشغال مهاجمان در نیامد و لذا گروه‌های بسیاری از شیعیان برجای مانده از این حملات خود را به جبل عامل که از امنیت بیش‌تری برخوردار بودند رساندند و در کنار هم‌کیشان خود سکنی گزیدند. مردم "طبریه" که مرکز شیعیان اردن

جبل عامل^{۱۱} منطقه‌ای است در جنوب لبنان و بر ساحل دریای مدیترانه که تاریخ آن به پیش از میلاد مسیح باز می‌گردد. قبیله عامله پس از شکسته شدن سد مارب در یمن و سیل عظیم ناشی از آن به اطراف شام مهاجرت کرده و در این منطقه که بعدها از آنان نام گرفت^{۱۲}، سکنی گزیدند. با فتح شام توسط مسلمانان، جبل عامل نیز تحت حاکمیت مسلمانان درآمد.

از چگونگی پدید آمدن تشیع در جبل عامل آگاهی‌های چندان در دست نیست. برخی مورخان شیعه عاملی مدعی‌اند که جامعه شیعه جبل عامل پیش از هر جامعه دیگری در آن‌جا شکل گرفته است. آنان بر این باورند که ابوذر غفاری، صحابه پیامبر (ص) در عهد معاویه به این منطقه تبعید شد و او مؤسس تشیع در جبل عامل است.^{۱۳} آنان به عنوان سند برای این سخن، تنها به ویرانه‌های باقیمانده از دو مسجد در روستاهای این منطقه استناد می‌کنند.^{۱۴} به نظر می‌رسد مردم جبل عامل از روزگاران دور چنین روایتی را سینه به سینه نقل کرده و بر این اساس خود را شیعه ابوذر می‌خوانند.

آنچه مسلم است آن که با سقوط امویان در سال ۱۲۸ هـ / ۷۴۵ م و دور شدن مرکز خلافت از شام، زمینه حضور شیعیان در این سرزمین به تدریج فراهم شد و با ظهور دولت‌های شیعی فاطمیان (۵۶۷-۲۹۷/۱۱۷۱-۹۰۹) در مصر و شام، حمدانیان (۳۹۴-۲۹۳/۱۰۰۴-۹۰۵) در حلب و آل بویه (۴۵۴-۳۲۰/۱۰۶۲-۹۳۲) در

ابن مکی در پایان یک سفر طولانی ده ساله با اندوخته‌هایی گرانبها از علوم دینی شیعی و سنی و کسب شناخت نزدیک از جوامع مختلف مسلمان، به جبل عامل بازگشت و در زادگاهش جزین استقرار یافت. او که از پیش باور داشت که برای پر کردن خلاء فکری و فرهنگی و خارج کردن جامعه از بحران روحی و معنوی، بایستی حرکتی علمی و فرهنگی را سامان داد، تمام توجه و اهتمام خود را به تربیت نسلی از عالمان و متبحران در علوم دینی جهت داد تا علاوه بر احیا و غنا بخشیدن به فقه و علوم دینی، سطح آگاهی‌های مردم از مذهب و مبانی آن ارتقاء یافته و بالمآل فرهنگ دینی در میان آنان احیاء شود

در جبل عامل پدید آورد و شاعر معروف آن دیار، عبدالحسین صوری، اشعاری در سوگ او سرود.^{۱۳} این پیوندها، به ویژه پس از آن که برخی از شیعیان عاملی برای تحصیل علوم دینی به حوزه‌های علمی عراق عزیمت کردند، شکل جدیدی یافت. اسماعیل بن الحسین العودی الجزینی (درگذشت: حدود ۵۸۰/۱۱۸۴)، اولین عالم شیعی^{۱۴} بود که برای طی مدارج علمی، از جزین به حله، حوزه علمی مشهور آن زمان عراق رفت و راه را برای دیگر جویندگان علوم دینی هموار ساخت. پس از او، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین سفر علمی به عراق از آن طومان بن احمد المناری است که از سال ۱۲۳۳/۶۳۰ در حله به مدت ۸ سال نزد فقیهان بزرگ آن دیار تلمذ و چندین اجازه‌نامه دریافت کرد. او اولین فقیه عاملی بود که به مرتبه اجتهاد^{۱۵} رسید. المناری همچنین آغازگر حرکت تدریس علوم دینی به شیوه روش‌های مرسوم در حوزه حله در جبل عامل بود. حرکتی را که المناری آغاز کرد، توسط شاگردان و بعدها توسط ابن مکی الجزینی دنبال شد و به گسترش و تعمیق آموزش‌های دینی انجامید. پس از المناری، عالمان دیگری به عراق رفته و با اندوخته‌ای از علوم دینی، به دیار خود باز می‌گشتند و به تربیت شاگردان و تالیف و تحقیق می‌پرداختند^{۱۶} که از جمله آن‌ها می‌توان از یوسف بن حاتم که نزد محقق حلی تلمذ کرد، جعفر

بن الحسن، علی بن موسی بن طاووس، صالح بن مشرف شاگرد علامه حلی و حسن بن حسام عاملی که اجازه‌نامه خود را از علامه حلی کسب کرد، نام برد.^{۱۷} حضور ابن فقیهان در جبل عامل و تشکیل حلقه‌های تدریس، طالبان بسیاری را از اطراف به این منطقه، به ویژه به جزین کشاند؛ حتی برخی عالمان شیعه نیز جذب فضای پرشور علمی آن‌جا شدند، از جمله فقیه شیعه مشهور، ابوالقاسم بن الحسین العود الاسدی (درگذشت: ۱۶۷۶/۱۲۷۸) از حلب به جزین مهاجرت کرد.^{۱۸} در همین دوران، عالمانی در جبل عامل حضور داشته‌اند که مدارج علمی خود را در جزین طی کرده و به سطوح بالای علمی و فقهی رسیده بودند که سه تن از آنان مشهورترند: طه بن محمد بن فخرالدین الجزینی، مکی بن محمد بن حامد الجزینی شاگرد المناری و اسدالدین الصائغ الجزینی. این که تعدادی از طالبان علوم دینی بتوانند در روستایی مثل جزین، مدارج علمی را طی و به سطوح بالای علمی و فقهی برسند، حاکی از آن است که از نیمه قرن هفتم، جنبشی علمی در جبل عامل در حال شکل‌گیری و جزین در حال تبدیل شدن به مرکز علمی و آموزشی مستقل بوده است.^{۱۹}

پیشوای نهضت محمد بن مکی الجزینی مشهور به شهید اول (۷۸۴ - ما بین ۷۲۰ و ۷۲۹/۱۳۸۲ - ما بین ۱۳۲۰ و ۱۳۲۸): این مکی در جزین در خاندانی اهل علم چشم به جهان گشود. جد او طه بن محمد بن فخرالدین الجزینی از علمای صاحب نام و دارای عنوان «عالم فقه»^{۲۰} و پدرش مکی بن محمد بن حامد الجزینی نیز از مشایخ و استادان فاضل^{۲۱} زمان خود بوده است. از ایام کودکی و جوانی او در جزین آگاهی‌های چندانی در دست نیست، اما تحولات بعدی زندگی او نشان از آن دارد که علی‌رغم مرگ زود هنگام پدرش، با بهره‌گیری از همان امکانات علمی در زادگاهش، به سرعت به مراتبی از علم و فضل رسید. این دوره از حیات او تحت تأثیر تحولاتی بود که در نتیجه ضربات سنگین بر شیعیان مناطق مختلف، در طول قرن‌های گذشته و به فاصله نزدیکی از تولد او بر شیعیان کسروان وارد آمده بود. شخصیت ابن مکی در فضای اجتماعی‌ای در حال تکوین بود که در نوعی بحران فرهنگی ناشی از گسست از تاریخ گذشته، فرو افتاده و تلاش‌های بزرگان قوم نیز تاکنون به تحولی بزرگ در جهت احیای فرهنگی جامعه و فائق آمدن بر بحران منجر نشده بود. ابن مکی با درک چنین واقعیتی، آگاه شده بود که راه برون رفت از بحران، نیازمند تقویت بنیه علمی رهبران دینی و آموزش و تعمیق مبانی اعتقادی و باورهای دینی شیعیان است. او عزم خود را در این جهت جزم کرد و از آن‌جا که امکانات علمی و آموزشی جزین و جبل عامل پاسخ‌گوی نیازهای او نبود، سرانجام در حوالی سال ۱۳۴۹/۷۵۰ عازم عراق شد و مرحله‌ای سرنوشت ساز از عمر خود را در شهر حله که آن زمان، مرکزیت شیعیان و در اوج غنای علمی و فقهی بود، آغاز کرد.^{۲۲} حله پیش از آن تاریخ، خاستگاه بزرگان

فقه شیعی چون نجم‌الدین جعفر الحلی معروف به محقق اول و الحسن یوسف بن المطهر معروف به علامه حلی بود که هر کدام جایگاه ویژه‌ای در فقه داشتند. مشرب فقهی حاکم بر حوزه علمی حله نیز، مشرب عقلی اجتهادی بود که با محمد بن ادریس الحلی (درگذشت ۱۲۰۱/۵۹۸) آغاز و توسط محقق اول و پس از او علامه حلی استمرار یافت. ابن مشرب فقهی بر به کارگیری اصول عقلی و منطقی در استنتاج احکام فقهی تأکید داشت. ابن مکی در طول سال‌های اقامت در حله در محضر عالمان و استادان بزرگ آن دیار که عمدتاً از شاگردان علامه حلی بودند، به ویژه فرزند او، فخرالمحققین محمد تلمذ کرد و با بهره‌گیری از مشرب اصولی، اجازه‌های متعدد دریافت کرد و در جایگاه فقیهی اصولی، قرار گرفت. دریافت اجازه‌های متعدد گواه مشارکت او در حیات علمی حوزه علمیه این شهر نیز هست. ابن مکی سرانجام در حالی که ویژگی‌های یک عالم و فقیه شیعی در او جمع آمده بود، در سال ۱۳۵۶/۷۵۸، حله را ترک گفت و به بغداد رفت و مرحله‌ای دیگر از این سفر علمی طولانی را آغاز کرد. در بغداد در مجالس درس عالمان سنی آن شهر و بیش از همه در مجلس درس عالم بزرگ شافعی آن روزگار بغداد، محمد بن سعید القرشی معروف به شمس‌الائمه الکرمانی شرکت و از او، اجازه‌نامه‌ای دریافت کرد.^{۲۳} دریافت اجازه‌نامه از عالمی سنی مذهب، نشان دهنده وسعت نظر و هدف متعالی او بود. ابن مکی در ادامه، به شهرهای دمشق، مکه، مدینه و قاهره رفت و نزد عالمان سنی در آن شهرها دانش اندوخت. شمار عالمانی را که او در این سفر از آن‌ها بهره گرفت، تا ۴۰ نفر شمرده‌اند.^{۲۴} بدین‌سان ابن مکی در پایان یک سفر طولانی ده ساله با اندوخته‌هایی گرانبها از علوم دینی شیعی و سنی و کسب شناخت نزدیک از جوامع مختلف مسلمان، به جبل عامل بازگشت و در زادگاهش جزین استقرار یافت. او که از پیش باور داشت که برای پر کردن خلاء فکری و فرهنگی و خارج کردن جامعه از بحران روحی و معنوی، بایستی حرکتی علمی و فرهنگی را سامان داد، تمام توجه و اهتمام خود را به تربیت نسلی از عالمان و متبحران در علوم دینی جهت داد تا علاوه بر احیا و غنا بخشیدن به فقه و علوم دینی، سطح آگاهی‌های مردم از مذهب و مبانی آن ارتقاء یافته و بالمآل فرهنگ دینی در میان آنان احیاء شود.

دور افتادگی نسبی جبل عامل از مراکز قدرت، سطح نازل معیشت و بالاخره فقر اقتصادی آن، سبب می‌شده‌اند که حاکمان مملوکی تا زمانی که مردم این منطقه منشا تهدیدی سیاسی نبوده‌اند، خود را برای تصرف یا کنترل مستقیم آن به دردر نیندازند و در چنین شرایطی جبل عامل توسط خاندان‌های محلی اداره می‌شده است.^{۲۵}

شرایط فوق فرصت بسیار مناسبی بود تا ابن مکی بتواند به دور از مراقبت‌های حکومتی و حساسیت‌های مذهبی آنان، اهداف خود را پیش برد.

هنوز سالیانی چند از آغاز فعالیت‌های او نگذشته بود



که جزیین به کانونی برای کسب علم و معرفت تبدیل و طالبان بسیار از دور و نزدیک رو به سوی آن گذاردند، این مکی با تدریس اندوخته‌های علمی، موفق به تربیت فقیهانی شد که نه تنها از جبل عامل که از مناطق مختلف شام و حتی از عراق در محضر او حاضر می‌شده‌اند، به گونه‌ای که در تشیع جنازه‌ای در یکی از روستاهای جبل عامل در عصر او، حدود ۷۰ عالم مجتهد شرکت داشته‌اند.^{۲۴} این مکی همچنین سفرهایی به دمشق داشت و در آن جا مجلس درسی برپا کرده بود.^{۲۵}

دست‌آورد علمی و فقهی ماندگار او اما، غنی‌سازی مذهب تشیع با گونه‌ای از اندیشه سیاسی بود که بعدها به صورت ویژگی جدایی‌ناپذیر فقه شیعی و وجه تمایز آن با دیگر مذاهب فقهی در اسلام درآمد. این مکی بنا بر مشرب اصولی خویش، در کتاب *آللمعه الدمشقیه* مجموعه‌ای فتوا را بیان کرده است که صدور آن‌ها جز با استناد بر مبدا ولایت فقیه امکان‌پذیر نیست.^{۲۶} فتواهای او در ابوابی چون زکوة، خمس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، قضاء، حدود و ... صادر شده است. چنانچه این فتواها با فتواهای فقیهان پیش از او در همین ابواب مقایسه شوند، به صورتی دقیق می‌توان به تصویری از جایگاهی که ابن مکی برای فقیه شیعی قایل است، دست یافت. ابن مکی همچنین در مقدمه کتاب *ذکری الشیعه* به گونه‌ای تأییدآمیز از مقبوله عمر بن حنظله که در میان فقیهان شیعی به عنوان اولین منبعی که به تعریف فقیه و وظایف او پرداخته است، مشهور است، سخن گفته است.^{۲۷} عبارت فقیه جامع الشرائط که در آثار فقهی او بر آن تأکید شده است، شاید برای اولین بار در عصر او به حوزه فقه شیعه وارد شده و از آن جا به پیکره فرهنگ تشیع راه یافته است.^{۲۸} هر چند ابن مکی به طور مستقل به موضوع ولایت فقیه نپرداخته است، نظریات او درباره وظایف و اختیارات فقیه جامع الشرائط، در واقع، آغازگر روندی سیاسی فرهنگی در فقه شیعه بود که به ویژه در عصر صفوی توسط محقق کرکی تکوین یافت.

استمرار نهضت

هر چند ابن مکی در حرکت علمی خود به کامیابی‌های بزرگ رسید، در تحقق اهداف بلند سیاسی- اجتماعی، آن گونه که دلخواه او بود، چندان توفیقی به دست نیاورد، اما در مجموع موفق شد شیعیان جبل عامل را که در نتیجه رویدادهای دو قرن گذشته بیش از او، به جمعیتی تبدیل شده بودند که به مسئله‌ای فراتر از گذران زندگی نمی‌اندیشیدند، به جامعه‌ای با احساس هویت و آگاه به مذهب خویش متحول کند.

با قتل ابن مکی که از این پس شهید نامیده شد، مرحله‌ای جدید در تاریخ جبل عامل و روند نهضت آن آغاز گشت.^{۲۹} ویژگی عمده این مرحله، گسترش دامنه نهضت علمی و حلقه‌های درس و بحث بود. تربیت‌یافتگان مکتب علمی و فقهی ابن مکی با به کارگیری توان خود و البته با انگیزه ناشی از شهادت او، به تبلیغ و تبیین آراء استاد خود پرداختند. علاوه بر جزیین، مدارس علمی دیگری به تدریج به گستره دامنه این نهضت پیوستند. در مدارس عیناتا، میس، جباج و حتی در کرک در بقاء، مراکز درس و بحث علمی برقرار و طالبان علم نه تنها از جبل عامل که از اطراف شام و حتی از ایران و عراق به این مدارس می‌آمدند.^{۳۰} استمرار نهضت علمی مدیون بلندنگری و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر ابن مکی در فراهم آوردن زمینه خودکفایی علمی، به ویژه در تربیت فقیه و متکلم در جبل عامل بود. همین استقلال بود که سبب گشت تا در طول حدود دو قرن پس از او، جبل عامل خاستگاه ده‌ها فقیه و عامل نامدار چون محمد بن علی بن خاتون، علی بن عبدالعالی الکرکی (مشهور به محقق کرکی)، محمد بن علی الجبایعی و زین الدین بن علی الجبایعی (مشهور به شهید ثانی) باشد که هر کدام در پربار ساختن فقه

این مکی همچنین سفرهایی به دمشق داشت و در آن جا مجلس درسی برپا کرده بود.^{۲۵}

این مکی با تدریس اندوخته‌های علمی، موفق به تربیت فقیهانی شد که نه تنها از جبل عامل که از مناطق مختلف شام و حتی از عراق در محضر او حاضر می‌شده‌اند، به گونه‌ای که در تشیع جنازه‌ای در یکی از روستاهای جبل عامل در عصر او، حدود ۷۰ عالم مجتهد شرکت داشته‌اند.^{۲۴} این مکی همچنین سفرهایی به دمشق داشت و در آن جا مجلس درسی برپا کرده بود.^{۲۵}

این مکی تنها به تدریس، تالیف و تربیت عالمان دینی بسنده نکرد و سعی داشت تا در فرصت مناسبی که در اختیار دارد، آنچه را که از وظایف و اختیارات فقیه جامع الشرائط قابل تحقق است، عملی سازد. از جمله، برای گردآوری وجوه شرعی مردم مامورانی به مناطق اطراف اعزام کرد. احتمالاً جمع‌آوری وجوه شرعی، حسابرسی و شیوه مصرف آن‌ها مستلزم وجود تشکیلاتی بوده است که بایستی به طور سازمان‌یافته زیر نظر او عمل می‌کرد.^{۳۱} حتی به احتمال وجود نیرویی مسلح و در اختیار او نیز اشاره شده است.^{۳۲}

بنابر آنچه ذکر شد، ابن مکی به تدریج به شکل‌دهی نوعی حکومت خودمختار شرعی با محوریت فقیه جامع الشرائط نزدیک می‌شد که بی‌شک با مفهوم خلافت که اساس حکومت مملوکیان بود در تناقض قرار داشت. گسترش نفوذ ابن مکی و توسعه سلطه شرعی او که بالمال به شکل‌گیری قدرتی حکومتی می‌انجامید، تهدیدی

شیعه و استمرار حرکت اجتهادی در تشیع، نقشی قابل توجه داشتند.

علی بن عبدالعالی الکرکی مشهور به محقق کرکی (۱۸۷۰-۱۵۳۳/۱۴۶۵)، میراث دار سنت فقهی شهید اول و دانش آموخته مدارس علمی در کرک و جزیب بود و در عینا نزد محمد بن علی بن خاتون تلمذ کرد، مدتی نیز در مصر بود و پس از سال ۱۵۰۳/۹۰۹ به عراق مهاجرت کرد. در سال های اقامت در نجف با تحولات ایران نیز آشنا شد و چون شاه اسماعیل صفوی از او برای عزیمت به ایران دعوت کرد^{۳۷} پذیرفت. کرکی که در سال ۱۵۱۰/۹۱۶ با شاه اسماعیل ملاقات کرد، مورد توجه و احترام او قرار گرفت و سال ها در ایران با بهره گیری از اختیارات و امکاناتی که در اختیار او قرار داشت به نشر علوم و آموزه های شیعی و تربیت عالمان و فقیهان پرداخت. نکته مهم در دوره حضور کرکی در ایران، موفقیت او در تجربه عملی میراث فقهی سیاسی شهید اول در شکل تکامل یافته آن بود.^{۳۸} حضور محقق کرکی در ایران و تلاش های علمی و فرهنگی او در جایگاه نایب امام زمان (ع) در تعمیق فرهنگ شیعی در جامعه ایران آن زمان و استحکام پایه های حکومت نوپای صفوی نقش به سزایی داشت. از جمله آثار او "جامع المقاصد فی شرح القواعد" که شرح کتاب قواعد الاحکام علامه حلی است و "الرساله الجعفریه" قابل ذکرند.^{۳۹} زین الدین بن علی مشهور به شهید ثانی (۱۵۵۸-۱۵۰۵/۹۱۱-۹۶۵) با بایستی آخرین میراث دار نهضت علمی شهید اول و حامل اندیشه سیاسی- اجتماعی او و تحولات آن در طول حدود دو قرن گذشته دانست. زادگاه او جیاع از مراکز عمده علمی و خاستگاه عالمان و فقیهان و پدران او همه عالمان دین بوده اند. زین الدین در حالی به تحصیل علوم دینی پرداخت که جبل عامل همچون دیگر مناطق شام به تصرف عثمانیان در آمده و دشمنی آنان با شیعیان، شرایط سختی را برای آن دیار و به ویژه برای فعالیت های علمی و فرهنگی شیعیان رقم زده بود. زین الدین با اراده و امید منارج علمی را در میس و کرک طی کرد و در سفرهایی به مصر و بیت المقدس در زمینه های فقه، حکمت و اشراق، طب و نجوم به کسب معرفت پرداخت. در مصر نزد شانزده تن از عالمان سنی مذهب، حدیث و فقه مذاهب چهارگانه اهل سنت را آموخت و از فقهی حنفی مذهب اجازه روایت گرفت. این تحرک و پویایی، نشان از وسعت نظر و فضیلت جویی او داشت. زین الدین همچنین طی سفری به استانبول که تا آن زمان در تاریخ روابط شیعیان و ستیان بی سابقه بود، با عالمان سنی مرکز امپراطوری عثمانی ملاقات و مباحثاتی صورت داد و موفق به دریافت اجازه تدریس در مدرسه علمی ستیان در بعلبک شد و براساس آن حدود دو سال در مدرسه نوریه بعلبک به تدریس فقه هر پنج مذهب فقهی اسلام پرداخت.^{۴۰} گفته اند در بعلبک براساس هر کدام از مذاهب اسلامی، فتوا صادر می کرد.^{۴۱} شیوه عمل او به زودی مورد توجه عالمان

او را دستگیر و به استانبول اعزام کردند و قبل از رسیدن به پایتخت کشته شد.^{۴۲} نظر به جایگاه رفیع او در میان شیعیان جبل عامل، به ویژه در میان فقیهان و عالمان آن دیار، شهیدش نامیدند.

پس از دو قرن

با کشته شدن زین الدین، اندک ارتباط میان مراکز شیعی و سنی قطع شد و تعصبات و کینه ورزی های مذهبی که شهید ثانی تلاش بسیار در جهت زدودن آن ها داشت، افزایش یافت. تضییقات و فشارهای حکومتی بر شیعیان و فعالیت های فرهنگی و دینی عالمان شیعی، فضای روانی پر التهاب و هراسی را پدید آورد. از سوی دیگر، آوازه موفقیت های آن گروه از عالمان عاملی مهاجر به ایران که از آزادی عمل گسترده و اختیارات و امکانات فراوان برخوردار بودند به جبل عامل می رسید. عوامل مزبور در مجموع انگیزه های لازم را برای مهاجرت به ایران در میان فقیهان و عالمان دینی که شهادت زین الدین راهش را برای خود نیز تلقی می کردند، ایجاد و از آن پس این مهاجرت ها رو به افزایش گزارد و با استمرار آن^{۴۳}، جبل عامل به تدریج از وجود عالمان و فقیهان شیعی تهی گشت. هر چند در این روزگار، با حضور عالمان عاملی در ایران، تشیع در حال بالندگی بود، در جبل عامل اما، با شهادت زین الدین، نهضتی رو به خاموشی می گذاشت که در طول حدود دو قرن، حیات علمی و فرهنگی را در این سرزمین استمرار بخشید و فرازی پرشکوه و افتخار را در تاریخ تشیع به طور عام و تاریخ شیعیان جبل عامل، به طور خاص رقم زد.

*** رییس گروه مطالعات اسلامی مرکز مطالعات فرهنگی بین المللی.**

منابع:

- ۱- آل صفا، محمد جابر؛ تاریخ جبل عامل، الطبعة الثالثة، دارالنهار للنشر، بیروت - ۱۹۹۸
- ۲- الامین، سید محسن؛ اعیان الشیعه، المجلد الاول، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت - بی تا
- ۳- الحر العاملی، شیخ محمد بن الحسن؛ امل الامل، تحقیق السید احمد الحسین، القسم الاول، مکتبه الاندلس، بغداد - بی تا
- ۴- حورانی، البرت؛ هجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران، ترجمه مرتضی اسعدی، مجله در کیهان فرهنگی، سال ۹ شماره ۸
- ۵- الصلیبی، کمال؛ منطلق تاریخ لبنان، الطبعة الثانية، فونل، بیروت - ۱۹۹۲
- ۶- مکی، محمدعلی؛ لمحات من تاریخ الشیعه فی لبنان، در مجله العرفان، سال ۷۶، شماره ۱ - ۱۹۹۲
- ۷- مکی، محمدکاظم؛ الحركة الفکرية والادبية فی جبل عامل الطبعة الثانية، دارالاندلس، بیروت - ۱۹۸۲
- ۸- مکی، محمد کاظم؛ منطلق الحياه الثقافیه فی جبل عامل، الطبعة الاولى، بیروت - ۱۹۹۱
- ۹- المهاجر، جعفر؛ التأسيس لتاریخ الشیعه فی لبنان و سوریه، الطبعة الاولى، دارالملاک، بیروت - ۱۹۹۲
- ۱۰- المهاجر، جعفر؛ الهجرة العالمیه الی ایران فی العصر الصفوی، الطبعة الاولى، دارالروضة، بیروت - ۱۹۸۹
- ۱۱- ناصر خسرو، گزیده سفرنامه، کتاب و شرح: دکتر جعفر شعار، انتشارات علمی، تهران - ۱۳۷۰

*پانویست ها در دفتر مجله موجود است.

با کشته شدن زین الدین، اندک ارتباط میان مراکز شیعی و سنی قطع شد و تعصبات و کینه ورزی های مذهبی که شهید ثانی تلاش بسیار در جهت زدودن آن ها داشت، افزایش یافت

سنی و پیروان آن ها قرار گرفت و آوازه او به اطراف نیز رسید. گویا موفقیت یافتن او، حاکمان عثمانی را خوش نیامد و با تمهیداتی، او را ناگزیر به ترک آن جا کردند. زین الدین در سال ۱۵۴۸/۹۵۵ به زادگاهش جیاع بازگشت و باقی عمر خود را در خوف و رجا به تدریس و تربیت شاگردان و تالیف پرداخت. وی در میان علمای شیعه متاخر، نخستین کسی است که به نحوی منظم با استفاده از روش ها و اصطلاحات متخذ از علمای اهل سنت، آثاری درباره روایت حدیث تالیف کرده است. آثار او را تا ۶۰ کتاب بر شمرده اند.^{۴۴} کتاب "المسالک" در فقه و کتاب "الروضة البهیة" که در شرع للمعه الدمشقیه شهید اول نگاشته است، از مهم ترین آن ها است. شیوه عمل و ابتکار او در نزدیک کردن پیروان مذاهب اسلامی به ویژه در مدت کوتاهی که در بعلبک اقامت داشت، با توجه به شرایط تعصب الود مذهبی آن روزگار که عناصر دولتی نیز بر آن دامن می زدند، خود موفقیتی به شمار می آمد که چنان با سیاست های عثمانیان که دشمنی با شیعیان را در پیش گرفته و با تفرقه پراکنی میان ستیان و شیعیان، مانع آرامش و وحدت دینی در شام بودند، همخوانی نداشت. لذا، هراس از آثار فرهنگی- اجتماعی فعالیت های زین الدین، به ویژه ترس از شکل گیری جایگاهی ویژه برای او در جبل عامل، و نیز سخن چینی برخی عالمان سنی متعصب که منافع و موفقیت خویش را با وجود او در خطر می دیدند، پایان حیات او را رقم زد. سرانجام او را تحت تعقیب قرار داده و او ناگزیر مدتی را در خفا به سر برد و بالاخره راهی مکه شد. در آن شهر